جزئیات جدید از دستگیری سارقان هالیوودی صندوق امانات بانک

هدیه ۵۰ میلیونی یک سارق به عمه اش، گلایه رئیس پلیس از رسانه ملی و... از خبرهای پربازدید دستگیری سارقان هالیوودی صندوق امانات بانک ملی بود

ادامه تحقیقات درباره سرقت از صندوق امانات بانک ملی شعبه دانشگاه تهران نشان می‌دهد ۳ برادری که از سرکردگان باند هستند، با اموال سرقتی دست به ولخرجی‌های بسیار زدند و در تازه‌ترین اعترافات خود از جزئیات بیشتری درباره این سرقت پرده برداشتند. روزنامه «شهروند» روز دوشنبه در گزارشی نوشت: سارقان اصلی و طراح نقشه این سرقت، سه برادر بودند که همراه با یکی از بستگان نزدیک‌شان نقشه دزدی را طراحی کردند این افراد بیشتر از ۱۲ ساعت در بانک بودند تا این که توانستند به صندوق‌ها دسترسی پیدا کنند. صورت‌های خود را پوشانده و با موتور و خودروی پلاک مخدوش به محل سرقت رفته بودند. دو برادر به همراه همسر یکی از آن‌ها درست پس از این دزدی به خارج از کشور رفتند. روز ۱۶ خرداد بود که وقتی کارمندان بانک ملی شعبه دانشگاه وارد بانک شدند، صحنه عجیبی را پیش روی خود دیدند. سارقان وارد بانک شده بودند. درها را تخریب کرده و سرفرصت، محتویات ۱۶۸ صندوق را به سرقت برده بودند. دزدان پس از انجام سرقت، از همان درِ پارکینگ بانک که وارد شده بودند، خارج شدند. بلافاصله تحقیقات در این باره آغاز شد. تیمی از کارآگاهان حرفه‌ای متخصص پلیس آگاهی مامور رسیدگی به این ماجرا شدند تا این که صبح روز جمعه ۲۰ خردادماه خبر رسید، ۱۳ متهم این پرونده همگی دستگیر شدند و در اختیار پلیس قرار دارند. این در حالی است که محتویات صندوق‌ها نیز از مخفیگاه متهمان کشف شد.

■ سارقان اصلی بانک ملی با پول‌های دزدی چه کردند؟

نخستین اظهارات سارقان بانک ملی نشان می‌دهد که آن‌ها با سکه‌های سرقتی، خودروهای خارجی خریده‌اند. سارقان اصلی و طراح نقشه این سرقت، سه برادر بودند. این سه برادر به همراه یکی از بستگان نزدیک‌شان نقشه دزدی را طراحی کردند. آن‌ها بیشتر از ۱۲ ساعت در بانک بودند تا این که توانستند به صندوق‌ها دسترسی پیدا کنند. نقشه‌ای کاملا حرفه‌ای کشیده بودند. صورت‌های خود را پوشانده و با موتور و خودروی پلاک مخدوش به محل سرقت رفته بودند. دو برادر به همراه همسر یکی از آن‌ها درست پس از این دزدی به خارج از کشور رفتند. یعنی پیش از آن که کسی از حرفه‌ای‌ترین سرقت سال باخبر شود، آن‌ها از مرز کشور خارج شده بودند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، سارقان در نخستین تحقیقات و بازجویی‌شان پرده از راز این سرقت حرفه‌ای، جنجالی و پرحاشیه برداشتند. یکی از آن‌ها به پلیس گفت: «ما از وقتی که نقشه سرقت از بانک را کشیدیم، خانه‌ای به‌عنوان پاتوق در نزدیکی پیچ شمیران اجاره کردیم. اول می‌خواستیم بانک تجارت را خالی کنیم. نقشه سرقت را خیلی حرفه‌ای و موشکافانه طراحی کردیم. ولی یک اشتباه باعث شد که در آن سرقت موفق نباشیم. آن هم این بود که دستگاه هوابرش با خودمان نبردیم. برای همین نتوانستیم در را تخریب کنیم. سرقت‌مان ناکام ماند و دوباره به پاتوق‌مان برگشتیم. این بار بانک ملی را انتخاب کردیم. آن بانک هم به پاتوق‌مان خیلی نزدیک بود. برای همین، همان نقشه را این بار دقیق‌تر برنامه‌ریزی کردیم و وارد بانک شدیم. این بار دستگاه هوابرش داشتیم. به‌راحتی توانستیم درهای مقابل‌مان را تخریب کنیم و وارد آن جا شویم. همه چیز را از قبل بلد بودیم و برنامه‌ریزی کرده بودیم. بعد از سرقت هم بلافاصله به پاتوق‌مان برگشتیم.»

■ هدیه ۵۰ میلیونی برای تولد عمه جانم خریدم!

این سارق در ادامه اعترافاتش گفت: «در ابتدا با ۱۰۰ سکه طلا یک خودرو و با ۸۳ سکه یک خودروی دیگر خریدیم. خودروی اوپتیما و یک خودروی خارجی خریدیم. ۳۰۰ میلیون تومان هم پول برداشتیم و بدهی‌هایمان را پرداخت کردیم. البته از آن مبلغ، ۵۰ میلیون تومان نیز برداشتیم و برای عمه‌مان هدیه تولد خریدیم. چون تولدش بود و ما عمه‌مان را خیلی دوست داشتیم، برایش یک هدیه باارزش خریدیم. قرار شد بقیه طلاها را نیز آب کنیم و به خارج از کشور ببریم. البته برادرهایم که به خارج رفته بودند، با خودشان دلار و یورو برده بودند. قرار بود که بعد از سه چهار ماه زمانی که آب‌ها از آسیاب افتاد، برگردند و این بار یک نقشه سرقت بزرگ دیگر طراحی و اجرا کنیم. مقداری از طلاها را نیز به چند نفر از بستگان‌مان دادیم تا به خودشان آویزان کنند و به‌عنوان طلای شخصی آن را از مرز خارج کنند ولی غافلگیر شدیم. اصلا فکرش را هم نمی‌کردیم که دستگیر شویم. ما قرار بود که چند ماه بعد دوباره نقشه یک سرقت دیگر از بانک را بکشیم، اما لو رفتیم.»

براساس این گزارش، تحقیقات از متهمان در حالی ادامه دارد که هنوز نکات مهمی از این پرونده برای پلیس فاش نشده است از جمله این که دزدان پس از سرقت از صندوق‌های امانات، اموال سرقتی را به خانه اجاره‌ای برده، روی تخت چیده و از آن‌ها عکس و فیلم گرفته بودند؛ هر چند خودشان مدعی هستند که از فرط خوشحالی این کار را انجام داده‌اند، اما این امکان وجود دارد که از این کار هدف دیگری داشتند و از فردی برای سرقت دستور گرفته و پس از سرقت نیز فیلم و عکس‌ها را برای او تهیه کرده‌اند. هم‌اکنون بررسی‌ها به شکل ویژه در این پرونده تا برطرف شدن ابهامات ادامه دارد.

■ انتقاد سردار اشتری از نادیده گرفتن دستاورد پلیس

در همین حال روز گذشته فرمانده فراجا با بیان این که رقم پرونده سرقت بانک ملی خیلی بالا بود و این اتفاق خیلی به ما فشار وارد کرد، افزود: کشف این پرونده مربوط به آگاهی فراجا نبود و مربوط به کل نظام جمهوری اسلامی ایران بود؛ این گلایه را به دوستان در رسانه ملی اعلام می‌کنم. سردار حسین اشتری اظهار کرد: ضمن گلایه جدی از رسانه ملی در نپرداختن به این دستاورد بزرگ گفت: کشف این پرونده مربوط به آگاهی فراجا و تهران نبود و مربوط به کل نظام جمهوری اسلامی ایران بود؛ این گلایه را به دوستان در رسانه ملی اعلام می‌کنم، در برنامه جمعه شب نیز دوستان به جای پرداخت به اصل موضوع به حاشیه پرداختند و می‌خواستند ضعفی پیدا کنند! به هر صورت امیدواریم این مباحث اصلاح شود؛ یک اتفاق مثبت افتاده و دشمن نمی‌خواهد آن بزرگ شود و خود ما نیز خواسمان نیست که به این دستاورد بپردازیم.

نجات معجزه آسای جوان ۳۰ ساله

معاون عملیات آتش‌نشانی شهر مشهد از عملیات نفسگیر و طاقت فرسای ۱۲۰ دقیقه‌ای آتش نشانان چندین ایستگاه برای نجات یک فرد گرفتار در لابلای جام های شیشه در یک انبار در خیابان مسلم شمالی این شهر خبر داد. به گزارش رکنا، آتشپاد دوم مهدی رضایی با بیان این مطلب افزود: صبح امروز در پی تماس تلفنی با سامانه ۱۲۵ مبنی بر ریزش جام های شیشه روی یک فرد در یک منزل و گرفتار شدن وی در لابه لای آوار شیشه، ستاد فرماندهی با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله نجاتگران و آتش نشانان ایستگاه های ۲۸، ۸، ۱، ۵۴ و ۳۸ را به محل حادثه در خیابان مسلم شمالی اعزام کرد که با حضور نجاتگران و آتش نشانان در محل مشخص شد، جوانی حدود ۳۰ ساله به دلیل نامشخصی حین تردد از لابه لای جام های شیشه در داخل حیاط یک منزل مسکونی که به انبار نگهداری جام های شیشه تغییر کاربری پیدا کرده بود به دلیل ریزش بیش از ۳۰۰ عدد از انواع جام های شیشه ای ۴ و ۶ میل به طرز عجیبی در لابه لای شیشه ها گرفتار شده است. با توجه به حساسیت حادثه، آتش نشانان در عملیاتی ۱۲۰ دقیقه ای ضمن مهار و ایمن سازی جام های شیشه ریزش کرده روی این فرد، این جوان را زنده نجات دادند و برای سیر مراحل درمان تحویل تکنیسین های اورژانس حاضر در محل دادند.

۲ عابر پیاده در درگیری راننده‌های ۲ خودرو با اسلحه ساچمه‌ای مجروح شدند

توکلی - درگیری راننده دو خودرو با اسلحه ساچمه ای به دلیل نزاع شخصی در زرند کرمان ، به مجروح شدن دو عابر پیاده منجر شد. به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان زرند با اشاره به وقوع یک فقره تیراندازی مسلحانه دو خودرو در این شهرستان در پی نزاع و خصومت های شخصی، بیان کرد : در ارتباط با این موضوع سه متهم دستگیر شدند و احتمال افزایش تعداد متهمان نیز وجود دارد. قاضی دکتر اسماعیل بلوچ زاده با بیان این که در این تیراندازی از اسلحه شکاری ساچمه‌ای استفاده شده است، ادامه داد: متاسفانه در جریان این حادثه دو نفر از عابران پیاده محل وقوع تیراندازی به دلیل شلیک ساچمه به بدن شان دچار جراحت شدند. این مسئول قضایی گفت: خوشبختانه حال عمومی مصدومان این حادثه مساعد گزارش شده است.

وی اختلافات ملکی را دلیل اصلی این نزاع و تیراندازی ذکر و تاکید کرد: متهمان دستگیر شده در این ماجرا ، سابقه نزاع های دیگری مرتبط با همین موضوع را داشته اند و بررسی های تکمیلی در این زمینه در دست انجام است. دادستان عمومی و انقلاب زرند، برخورد قاطع و بازدارنده با عاملان این گونه حوادث را از اولویت های دستگاه قضایی بیان و تاکید کرد: اجازه نخواهیم داد افراد به دلایل مختلف، موجب رعب و وحشت مردم شوند و نظم عمومی جامعه را خدشه دار کنند. وی یادآور شد: رسیدگی ویژه و خارج از نوبت به پرونده های مهم در دستور کار دادستانی زرند قرار دارد و از این رهگذر تلاش می شود تا ضمن برخورد قاطع با متخلفان، از تکرار چنین مسائلی نیز پیشگیری شود.

گوشی قاپی با پرسه زنی

توکلی- دو سارق زورگیر گوشی تلفن همراه به دام پلیس افتادند. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان کرمان گفت : به دنبال افزایش وقوع سرقت به عنف تلفن همراه در شهر کرمان، دستگیری سارقان زورگیر به صورت ویژه در دستور کار نیروهای کلانتری آزادگان شهر کرمان قرار گرفت. سرهنگ مهدی پورامینایی ادامه داد: ماموران کلانتری با افزایش گشت های نامحسوس و اقدامات اطلاعاتی دو سارق را که با موتورسیکلت در حال پرسه زنی به منظور یافتن گزینه مناسب برای سرقت بودند شناسایی و پس از تعقیب و مراقبت آن ها را در یک عملیات پلیسی دستگیر کردند. وی تصریح کرد: متهمان با پرسه زنی در محله های خلوت، سوژه های خود را انتخاب و با تهدید چاقو و ضرب و شتم، اموال آنان را از قبیل گوشی تلفن همراه و وجوه نقد سرقت می کردند. این مسئول انتظامی با اشاره به این که در بازرسی از متهمان، دو دستگاه تلفن همراه سرقتی و دو تیغه قمه کشف شد، خاطرنشان کرد: سارقان در بازجویی های پلیسی به ۹ فقره سرقت به عنف تلفن همراه در شهر کرمان اعتراف کردند.

آکهی دعوت نوبت دوم
مجمع شرکاء موسسه حسابرسی
و خدمات مدیریت آئین آگاهان حساب

پیرو آگهی دعوت نوبت اول مجمع عمومی شرکاء مورخ ۲۱ آذر ۱۴۰۰ در اجرای ماده ۲۱ اساسنامه از کلیه شرکاء موسسه دعوت می گردد راس ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۱ تیر ۱۴۰۰ جهت شرکت در جلسه نوبت دوم مجمع شرکاء در مشهد - خیابان قاضی طباطبایی- کوچه قاضی طباطبائی ۶ - پلاک ۷۷ طبقه اول حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:
- خروج شرکاء
- سایر مواردی است که در صلاحیت مجمع شرکاء می باشد.

مهدی وکیلیان آغوئی- رئیس هیات مدیره
۱۴۰۱۷۵۳۸۸/ر

آگهی ارزیابی کیفی پیمانکاران

شرکت آب و فاضلاب شهرستان نیشابور در نظر دارد با رعایت آئین نامه اجرایی بند "ج" ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات، پروژه مشروحه ذیل را به شرکتهای واجد شرایط واگذار کند.

ردیف	مشخصات پروژه	مدت اجرا	محل اجرا	مبلغ برآورد (هزار ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(هزار ریال)
۱	عملیات اصلاح و توسعه شبکه آب شرب شهر نیشابور اولویت اول اجرایی سال ۱۴۰۱	۱۲ماه	نیشابور	۱۱/۸۰۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۸۴/۰۳۰/۰۰۰

۱-کارفرما: شرکت آب و فاضلاب نیشابور(سهامی خاص).
۲- داشتن گواهینامه معتبر صلاحیت ایمنی از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۳- تاریخ، مهلت و محل دریافت اوراق ارزیابی کیفی: واجدان شرایط می توانند ظرف مدت ۵ روز از تاریخ انتشار آگهی (حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۸- به جز ایام تعطیل) برای دریافت اوراق ارزیابی کیفی به دفتر قرار دادهای شرکت آب و فاضلاب نیشابور به نشانی: نیشابور- شهرک فرهنگیان- خیابان ولیعصر(عج)- ولیعصر ۳ تلفن: ۴۲۶۱۳۰۱۰-۰۵۱ داخلی ۲۲۸ و یا شماره ۰۹۱۵۱۵۳۵۲۲۴ مراجعه و یا از طریق سایت اینترنتی پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی: iets.mporg.ir اسناد مذکور را دریافت کنند و حداکثر ظرف مدت۱۴روز (حداکثر تا تاریخ۱۴۰۱/۰۴/۱۱) نسبت به تکمیل و تحویل اوراق ارزیابی کیفی به دفتر قرار دادهای این شرکت اقدام کنند.
۴- سایر توضیحات: پس از ارزیابی کیفی و انتخاب مناقصه گران واجد شرایط، سایر اطلاعات (محل و مهلت دریافت اسناد مناقصه و...) کتبی به اطلاع ایشان خواهد رسید.
۵- درضمن هزینه درج دو نوبت آگهی به عهده برنده مناقصه است.

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب نیشابور
۱۴۰۱۷۵۳۶۵/ش

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۰۳۰۰۰۰۴۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم شابی بی بامدی فرزند نور احمد بشماره شناسنامه ۳۴۶ صادره از زابل در ششدانگ یک منزل مسکونی به مساحت ۲۳۸.۳۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۳ اصلی بخش ۹ مشهد، واقع در پورسینا- ده متری صاحب الزمان محیط ۳۶ پلاک ۹۹ خریداری از مالک رسمی آقای جواد جوادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد م الف۶۴۶
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۳/۸ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۱/۳/۲۴
علی فضلی- سرپرست ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد ۱۴۰۱۷۳۳۱۲/م

در امتداد تاریکی

دختر سیاه بخت!

روزی که برای وقت گذرانی در فضای مجازی پرسه می زدم با جوانی آشنا شدم که گویی سنگ صبور درددل هایم بود. چند ماه بعد در حالی با مرد رویاهایم ازدواج کردم که آن روی سکه نمایان شد و ... به گزارش اختصاصی خراسان زن ۱۹ ساله که با ظاهری آشفته و اشک ریزان وارد کلانتری شده بود درباره سرگذشت غمبار خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری امام رضا (ع) مشهد گفت: از روزی که خودم را شناختم جز جدل و فریادهای توهین آمیز پدر و مادرم چیزی ندیدم. پدرم مردی معتاد و بیکار بود و توانایی اداره زندگی را نداشت. او حتی نمی توانست مخارج روزانه را تامین کند از سوی دیگر مادرم همه تلاش خود را به کار گرفته بود تا پدرم را از مواد مخدر دور کند و به زندگی عادی بازگرداند اما تلاش هایش فایده‌ای نداشت و پدرم در همان مسیر بی‌راهه حرکت می کرد تا این که بالاخره مهر طلاق بر شناسنامه مادرم جا خوش کرد و آن‌ها از یکدیگر جدا شدند.

آن زمان من ۴ سال بیشتر نداشتم و مادرم که سرپرستی مرا به عهده داشت دست مرا گرفت و به خانه مادربزرگم برد ۲ سال بعد از این ماجرا مادرم نیز با مرد جوانی ازدواج کرد و به دنبال سرنوشت خودش رفت به همین خاطر من در ۶ سالگی در واقع مادرم را هم از دست دادم چرا که ناپدری ام مخالف حضور من در خانه اش بود و این موضوع را آشکارا با مادرم شرط کرده بود در این شرایط من به ناچار زندگی سرد و بی روحی را در کنار مادربزرگ پیرم می گذراندم و از هر نوع محبت و عاطفه ای دور بودم. با وجود این هر روز کیف مدرسه ام را برمی داشتم و راهی کلاس درس می شدم با آن که دختری افسرده و گوشه گیر بودم و توجهی به درس و مشق نداشتم اما باز هم از هوش بالایی برخوردار بودم و با مطالعه کتاب در شب امتحان نمرات بالایی می گرفتم به طوری که همه معلمانم تعجب می کردند و گاهی نیز مظنون به تقلب می شدم. خلاصه روزگارم به همین ترتیب سپری می شد تا این که حدود یک سال و نیم قبل وزمانی که تحصیل به صورت مجازی بود به خاطر وقت گذرانی و از روی بی حوصلگی در فضاهای مجازی پرسه می زدم در همین جست وجوهای اینستاگرامی بود که به طور اتفاقی با «فرشید» آشنا شدم او جوانی ۳۰ ساله و اهل اصفهان بود ولی با همه این تفاوت سنی خیلی با حوصله و طمأنینه به حرف هایم گوش می داد. گویی سنگ صبور درددل هایم بود و من عشق و محبت را در کلام او جست وجو می کردم طولی نکشید که به فرشید دل باختم و عاشقانه به او ابراز علاقه کردم. ۶ ماه بعد تصمیم به ازدواج گرفتیم و من ماجرا را برای مادرم باز گو کردم. او با شنیدن این خبر لبخندی زد و خیلی خوشحال شد چرا که دیگر مزاحمی در زندگی نداشت و می توانست به راحتی با شوهرش زندگی کند اما خانواده فرشید از این موضوع بسیار برآشفته شدند و با ازدواج ما مخالفت کردند چرا که ما تفاوت های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی زیادی با هم داشتیم. با آن که اوضاع مالی پدر فرشید بسیار خوب بود و موقعیت اجتماعی بالایی داشت ولی بیشتر مخالفت آن ها این بود که من فرزند طلاقم و تربیت خانوادگی ندارم! خلاصه با همه این مخالفت ها فرشید به ازدواج با من تاکید داشت تا این که با اصرار او، خانواده اش رضایت دادند و تنها یک شب برای مراسم عقد کنان ما از اصفهان به مشهد آمدند. روز بعد خانه کوچکی برای ما اجاره کردند و به اصفهان بازگشتند. همسرم نیز در یک شرکت خصوصی مشغول کار شد و من حالا به همه آرزوهایم رسیده بودم و مرد رویاهایم را در کنارم می دیدم اما این خوشی ها و لبخندها خیلی دوام نداشت چرا که فرشید در همان هفته اول زندگی مشترک شخصیت واقعی خود را نشان داد و به قول معروف آن روی سکه نمایان شد. فرشید مردی بسیار عصبی بود و با هر بهانه ای کتکم می زد و تحقیرم می کرد. او اوضاع مالی پدرش و زندگی آشفته پدر و مادر مرا مدام به رخم می کشید و مرا دختری سیاه بخت و درمانده می خواند. حتی وقتی برای اولین بار به اصفهان رفتم پدر و مادر فرشید مرا به خاطر گم شدن یک فلش متهم به دزدی کردند و تهمت های ناروایی زدند. آن ها با یک حالت دلسوزی و ترحم گونه می گفتند تو در یک خانواده فقیر به دنیا آمده ای و پدر و مادری هم نداشتی که تو را به طور صحیح تربیت کنند حالا هم اگر برای اولین بار دزدی کرده ای، عیبی ندارد و تو را می بخشیم! با این تحقیرها و سرزنش ها آن قدر سرشکسته می شدم که فقط اشک هایم با من همراهی می کردند. اکنون نیز مدتی است همسرم مرا به باد کتک می گیرد و از من می خواهد تا تعدادی از دختران دوران دبیرستانم را به خانه بیاورم و با او آشنا کنم. اما من نمی توانم وجدانم را زیر پا بگذارم و دختری را به روز سیاه بنشانم به همین خاطر همسرم فقط با این بهانه که شلوارش را اتو نزده‌ام باز هم به شدت کتکم زد و تهدید کرد که اگر ظهر به خانه بازگردم و تو را ببینم دیگر زنده نخواهی ماند! من هم که خیلی ترسیده بودم پس از خروج همسرم از منزل فرار کردم و با راهنمایی یکی از دوستانم به کلانتری آمده‌ام تا کمکم کنید. گزارش خراسان حاکی است با دستورات محرمانه سرهنگ سید عباس شریفی (رئیس کلانتری امام رضا (ع)) رسیدگی ویژه به پرونده این زن جوان در دستور کار مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی